



جامعة جدة  
مركز الدراسات والبحوث  
الاسلامية



# مَدِيْنَةُ

سطر سطر زندگی با آیہ ہا

مسابقہ شماره ۲۰۵ / یکشنبه ۱۲ فروردین ۱۴۰۳



سطر بیستم

## نفی ولایت غیر خدا

جزء ۲۰

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ  
اتَّخَذَتْ بِئْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

عنكبوت، آیه ۴۱

● می‌توانی به خانه عنكبوت تکیه کنی؟!



وَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى  
 بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَاقِينَ ﴿٣٩﴾  
 فَكَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ  
 مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ  
 وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا  
 أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ  
 أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ  
 الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ  
 يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ  
 ﴿٤٢﴾ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا  
 الْعَالِمُونَ ﴿٤٣﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي  
 ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ أَتُلُّ مَا وُحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ  
 وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ  
 وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾



مغفة كليم

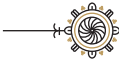


قرآنت تحقیق



﴿مَثَلُ الَّذِينَ أَخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ﴾ مثل کسانی که ولایت غیر خدا را پذیرفتند [و با آنان هم جبهه شدند تا مشکلاتشان حل شود و پشتیبانی داشته باشند]، ﴿كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا﴾ مانند عنکبوتی می ماند که [از تارهای نازک و سستش] خانه ساخته باشد! ﴿وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ﴾ درحالی که قطعاً سست ترین خانه ها، خانه عنکبوت است. [به همین صورت، هر پشتیبانی غیر از خدا، سست است و اگر کسانی به پشتیبانی غیر خدا دل خوش کنند، هیچ امنیت و آرامشی دریافت نخواهند کرد.] ﴿لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ اگر اهل علم و معرفت بودند، [این مسئله را می فهمیدند که پذیرش ولایت دشمنان خدا و دوستی و هم جبهه شدن با آنان برای قدرتمندی بیشتر، سرابی بیش نیست!]





یک رشته سیم به راحتی خم می‌شود، مچاله می‌شود، می‌شکند؛ اما همین رشته سیم اگر گرداگرد یک مفتول آهنین بپیچد، چه؟ هرگز خم و مچاله نمی‌شود و نمی‌شکند. آدمی وقتی که تکیه و توکلش به خداوند باشد، یک چنین حکایتی دارد، همان که سعدی می‌گفت:

چرا باید از ضعف حالم گریست؟ اگر من ضعیفم پناهم قوی است ولی جز خداوند هرکه و هرچه باشد، حکایت خانهٔ عنكبوت برای عنكبوت دارد، خانه‌ای که از خانه‌بودن فقط نام آن را دارد، نه دری، نه دیواری، سست است و فقط به یک فوت بند. هیچ‌کس برای آدمی خانه‌ای امن نمی‌شود و اسباب راحت و آسایش فراهم نمی‌سازد. تو گویی غیرخدا چون آتش است و آتش با یک درخت چه می‌کند؟ پیوسته از درخت می‌کاهد و هرچه دارد می‌گیرد؛ حیات را، سرسبزی را، ثمر را، سایه را و به تلی از خاکستر تبدیلیشان می‌کند. درست برخلاف آب که فقط گلریزان می‌کند و مدام بر درخت می‌افزاید و سبز می‌کند، و پُر سایه و ثمر.





این‌ها می‌خواهند سراغ طاغوت بروند، غافل از اینکه این شیطان طاغوت، این شیطانی که با عنوان طاغوت در قرآن شناخته می‌شود، آن‌ها را از راه راست دور می‌کند تا از گمراهی‌ها، از وادی‌های تیه سرگردانی، سرشان را درمی‌آورد. طاغوت آن‌ها را، شیطان آن‌ها را از جاده آن چنان دور می‌اندازد که برگشتنشان کار یک ذره، دو ذره نیست؛ خیلی به دشواری دیگر برگردند به راه راست هدایت. این آیه قرآن است.<sup>۱</sup>

از لحاظ روابط خارجی، یک ذره تأثیرپذیری از جناح‌های ضداسلامی یا غیراسلامی، مخصوصاً ضداسلامی، ممنوع است. حق ندارد جامعه اسلامی و امت اسلامی که پیوند خودش را با دنیای خارج از اسلام، جز به صورت فرادست بودن، بالادست بودن، برقرار کند؛ یعنی اگر چنانچه یک رابطه‌ای میان امت اسلامی و امتی غیر مسلمان بنا شد برقرار بشود، رابطه استثماری، مثلاً فرض کنید از قبیل ماجرای تنباکو و کمپانی رژی که آقایان می‌دانید و شنیدید، عالم اسلام حق ندارد این رابطه را ببندد.

یا فرض بفرمایید مثل آن سلاطین و حکام مغولی هندوستان که اجازه دادند دولت‌های خارجی بیایند آنجا کمپانی تأسیس بکنند، عملی برخلاف ولایت عالم اسلام انجام دادند. جایز نبود این

۱. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، جلسه ۲۶، ص ۷۶۱.



کار که بگذارند کمپانی بیاید؛ چون می‌دانستند یا اگر نمی‌دانستند، بایست می‌دانستند - باید بدانند - که کمپانی مثلاً هند شرقی، وقتی که وارد آن منطقه شد، وارد آن سرزمین شد، چه بلایی به روزگار آن مردم درخواهد آورد و چگونه سرطان استعمار را تا رگ و پی آن شبه قارهٔ عظیم خواهد گسترانید. باید می‌فهمیدند این‌ها را، نفهمیدند و عالم اسلام و امت اسلامی اجازه نمی‌دهد هرگز این‌گونه روابط را.<sup>۱</sup>

با صدای استاد سید علی خامنه‌ای بشنوید...

